



## فواید برای رهنمائی خواهان:

- توسعه مهارت های زندگی مستقل.
- بدست آوردی شناخت لیورپول و کار در کجا هستند.
- ساختن اعتماد و کم کردن کناره گیری و تنهایی.
- شناخت عظیم فهم کلتور انگلیسی را توسعه دادن.
- برصت برای اتماعی شدن و منحرف شدن از مشکلات.
- پذیرفتن مصلحت های واقعی و بیشتر نمودن توانائی که به خدمات دستیابی پیدا کنید.
- بهتر ساختن مهارت های لسان انگلیسی و بیشتر نمودن اعتماد در حرف زدن آن.

## فواید رهنمائی خواهی که در ذیل شرح داده شده نقل قول های از بعض مردمان است که در جریان پروژه رهنمائی بودند.

"وقتیکه من به لیورپول آمدم برای من خیلی دشوار بود. زیرا که در باره شهر و هیچ یک چیز نمی فهمیدم، مگر پروژه رهنمائی برا کمک کرد تا در باره لیورل بدانم و با مردم ملاقات کنم."

"آنها با چندین کارها کمک کردند مثل ثبت با جی پی باز کردن صورت حساب بانکی و کمک کردن در پیدا کردن روش های و جریان های که شما می خواهید بکنید. آنها کارهای بر تفریح هم می کنند مثل رفتن به سینما، موزیم و سفر کوتاه خارجی."

"رهنمائی برایم اطمینان داد در حرف زدن انگلیسی."

"این برایم کمک کرد دوست هان نو پیدا کنم."

"من خیلی کمرو و عصتی بودم حال من بیشتر مطمئن و خوشحالتتر هستم."

"قبلا من خیلی تنها و بدبخت بودم مگر این پروژه مرا کمک کرد با مردم معرفی شوم و برایم کاری داد که بکنم این مرا بیشتر خوشحال نمود."

"این شما در یاد گرفتن زبان انگلیسی و شناخت کلتور انگلیسی کمک میکند."

"کمک کردن تا بدانم دکان ها کجا هست و چطور استفاده کنم از پول های خود."

### فواید برای مرشد ها:

- وسیع میکند کلتور تفاهم و عمل مسایل را که رودار میشور توسط مهاجرین.
- توسعه میدهد مهارت های محاوره و ارتباط را.
- پروژه مهارت های مدیریت را توسعه میدهد.
- مهارت های خصوصی را توسعه میدهد.
- ترقی تمام مهارت های که در بالا فهرست شده کمک میکند با استخدام.

### داستان یک مرشد

واه! رهبری. آیا من برای آن آماده بودم آنچه که داشتم برای بار اول پیوستن به پروژه رهنمائی پیر یک نظریه مبهم بود که من میخواستم کمک کنم مهاجرین جوان را و جستجوگران پناهگاه تا احساس خوشایند بیشتر کنند در لیورپول. من درباره مسئولیت ها و نگرانی که میگرفتم فکر نکرده بودم مگر آنکه آیا من آنرا دوباره خواهم کرد یقینا.

دربار اول ناراحت بودم درباره اینکه چقدر بعضی ها را کمک خواهم کرد، مگر بزودی فهمیدم که تمام هر یک رهنماخواهان ضرورت دارند. بعضی ها که در پهلو کمک میشوند تشویق شوند در خلال مدتی که آنها ضروریات و خواسته ها خویش را مکمل نمایند. بعضی وقت اینهمه کاریا و پایداری زیاد میخواهد مگر کار معنی ساده نشان میدهد با تا بتوانم بهترتر آماده بروم به طرف روابط آینده.

روابط که با رهنما خواهان داشتم خوشی و لذت بود این آن نیست که بگویم برای همیشه ما صمیمی شده بودیم. در بین تعمیمات مرزی و سیستم حمایتی که در جا پروژه احساس آماده گی خوب کردم در پهموی احساسات رهنمائی که در آن هنگام با اومین رابطه خود آغاز کردم مگر با پیشرفت رابطه ام را درک کردم که کاملاً ضرورت ندارم و یا آرزو ندارم که رهنمائی خواهام را تشویق کنم که مرا با گذشته اش سهیم بسازد. من همچنان داشتم میفهمیدم که او گذشتاندن وقت خوش را با کسی خوش دارد که در پاره گذشته اش هیچ نداند و یا او چرا به این کشور آمده؟ ما فقط درباره آینده حرف میزدیم که پسر او بود.

چه چیز آنر پر ارزش ساخته بود؟..... همان نگاه چهره طفل او وقتیکه اسباب بازی را در بار اول با مادرش و دسته کودک نو پا..... تبسم گشاده در چهره آن مادر که برای بار نخست از صنف کمپوتر خارج شد. اولین کار رهنمائی مشکل نه بود و همچنان وقتی زیاد مرا هم نگرفت در عین حال آن احتمالاً بیشترین پاداشت و کار ازنده بود که تا حال انجام دادم.